

مسز ع

دو آلم سیاسی

۱۳۵۵

در گیل اخیر پلیس بدنبال برنامہ ریزی های حائده ای
 (تصور آنه) که سلا آنرا ناش از خطه استراتژیک فونی در حرکت
 ضد انقلابی رژیم می توان شمرد که برای کف و اندام گردها و ساز-
 مانهای انقلابی رنجته به موفقیت های جنگی دست یافته است.
 این موفقیتها را چه در ضربات پراکنده ای که بر پلیس جیش افروز و رتب وارد
 آورده و چه در ضربات انفاز اخیر که به زمینندگان سازمانها و
 نمایان خلق و رفقای هسته مرکزی و همچنین اخیرا با اندام گروه بیت
 فنی ای که در تاریخ ۵۵/۹/۲۰ مغربه شهادت هت تن و دستگیرهای
 عده دیگری از انقلابیون شد، می توان دید. در جریان ماههای ارد-
 بهشت تاثیر پلیس با یورشهای وحشیانه اش بخش قابل توجهی از
 اعضاء سازمان جبهه های فدائی خلق را به شهادت و عده زیادی را دستگیر
 نمود. بدنبال این ضربات و با آزاد شدن نیروهای پلیسی از یک
 بخش از سوله های ضد انقلابی و خائسانه اش قسمت دوم یورش به
 رفقای گروه هسته مذهبی شروع شد، این گروه با توجه به آنکه آنها
 * - خلق الطاعات و اخبار موجه دیروز می نماند که در سال
 ۵۲ از زندان فراگرد روشن شده است که پلیس نوده و در راس این
 گروه قرار داشته است. این مرکز به دقتی نامی از همین نفوذ پلیس

۲ قابل توجهی برای خشی کردن مراقبت‌ها و تقصیبات پلیس محل
آورد ولی سرانجام موفق نشد بطور کامل خود را از تور پلیس خلاص نماید
و در نتیجه تقریباً تمام گروه بدست پلیس حبس افتاد و به شهادت رسیدند و

→ بدیده است .

* - این رفقا بعد از آنکه در گروهان غوغای شکی در تقصیب
و مراقبت مشاهده کردند ، تصمیم و عقب نشینی را آغاز نمودند
بطوریکه اغلب خانه‌های یمنی و تکی اشرف را عوض نموده و باره ای افکار -
نات نگه‌داری در رگت و ... را هم مشمول تغییر و تحول می‌دادند ، ولی
باز نباید گمانی که خود بطور کامل برای ماردشن فرستاده است ، این
رفقا علی بن ایزدگوی علیرغم اقرارش با کمالاتشان بدست پلیس خشی
یا دستگیر و یا به شهادت رسیدند . البته این نکته در اینجا بسیار حائز
اهمیت و قابل توجه است که گفته شود ، نباید هیچگاه این مسائل
ما را دچار سرگمید و یا سردرگمی نماید و در واقع این ضربات را ناشی از
بلا یای آسمانی و غیر قابل پیش‌بینی و ... بدانیم ، بلکه دقیقاً در اینجا که
و توجه به این نکته که ماهواره از همان نقایض ضرب می‌خوریم که در آنجا
از خود صفت نشان می‌دهیم بی‌مرد نیست . با این ملاحظه ، ضربت آله
این رفقا حتی پس از یک مرحله تصمیم باز هم دریافت کردند دقیقاً

یا اینکه این دو چیز بر کفهای و حیسانه فرستاده شدند.

→ ناشی از عدم توجه و سلب عدم کف آن تا نهمندی لازم که برای
یک عقب نشینی باید ملحوظ داشت سید اینیم، و از این جهت
می توان منزه بعدی این رفتار ناشی از همین ضعف و کاستی
ناشی از عدم برخورد خلاق و بیای مرحله بعدی در کف آن تا نهمندی
حرکت نون گروه داشت. مادر قسمت دیگر اقدامات به طور ترتیب
در سازمان خودمان در جهت عقب نشینی بعل آوریم نشان خرام
داد که اگر تو انیم به مقدار نسبتاً زیادی از دریافت ضربات یقین
کنند. در این کسب می تردید آنرا باید ناشی از سوزیه کردن نسبی می
عقب نشینی مرحله ای و مبارزه علیه تنگ نظری های مکنون دارند
و امید کورتزی های موجود در سطح خفیش و در اینجا در سازمان داشت
(یکی از رفتار جمعی که ای که از این مرحله از حرکت سازمان بعل
آورده است نمودهای از این تنگ نظری های موجود دارند
و تنگ نظری از رفتاری سازمانی را منبسطی عدم درک خلاق این
مرحله از حرکت نون در عین حال پیچیده که سازمان سرد نقد و بررسی
قرار داد است.)

و اکنون درست بدینال همین ضربات بر سیکره جنبش خلق
 ستمیده ما بود که یورشهای وحشیانه، پلیس از اطراف و کثافت بطرف
 سازمان ما سرازیر شد. مادر طی دوره دوسه ماهه اخیر در گوشه
 و کنار سازمان شاهد نمونه های مشکوکی از تعقیب و مراقبت
 پلیس بودیم. در چنین صورتی ما چه می بایستی می کردیم؟ نصفه
 و رها کردن اعضا نجات در هر کجا که چنین نمونه هایی دیده می شد
 آغاز گفت، این وقت هر چند در ابتدا، به کندی صورت گرفت
 اما هر چه پیش رفت پلیس بیشتر می شد بر ستاب آن افزوده می شد
 بطوریکه پلیس هر امکان تقوای ای را که از دست میداد در نقطه دیگری
 مراقبت را آغاز می کرد، ما هنوز در تمام نقاط سازمان نمونه های
 مشکوک مشاهده نمی کردیم از این جهت هرگز نمی که عناصر مشکوکی
 مشاهده می کردیم و یا کاری را آغاز نمود. بطوریکه بسیار
 کمتر حمله که پلیس کن کن یا گاه و گاهی تقوای این را از دست میداد
 یورش گسترده ای را آغاز نمود که ما به کلی باره در تمام نقاط سازمان
 عناصر و مخورهای مشکوک مشاهده کردیم، با این حجاب درنگ
 دیگر جای بنور یا سیاحت که با و سر بر زمین می کردیم و آهسته و
 آهسته عقب نشینی می نمودیم و بدینال آن در ستاب کارهای عملیاتی

دستین را بجان می خردیم و یا آنکه بیکبار همه امکانات را رها
 می نمودیم و در صورت امکان نهدم کرده و عقب نشینی و فرار را بر
 قرار ترجیح میدادیم ، مگر در این مرحله عقب نشینی ناگهانی را
 ترجیح دادیم ، بخش عظمی از امکانات را سوزانده و بدور ریختیم
 و پس با فراغ بال به عقب نشینی پرداختیم در جریان این عقب
 نشینی ۶ آخا حاکم ثقلل خرج داریم عقیقا در درک مرحله تحول
 و خطر حقیقی که خود کاهلی نشان داریم ضرب خوردیم (این
 کاهلی را میتوان در مقامی علل ضرب شهادت رهایی همچون
 ترحم عصبه اولی ، سین تاج فرجی و بررسی کرد)

* - بجای آنکه رفقای خارج از کشور با نوشته ای از
 این تحولات آشناسازونه چند نمونه عنوان مثال زیر را ذکر
 می کنیم : الف : بی از رفقا به همراه دو تن از اعضا بدین اش
 در عرض امنیت کوتاه بیش از ۱۳ پانگاه مختلف مکزیک
 ب : در گروه دیگری بنی از بیع حمل نگهداری و اسناد
 فقط با خارج کردن ضروری و کارترین وسایل و مدارک حال
 خود را حاشه ، این محل ؟ اصل ؟ بسیار مناسبی است و در

اکنون ملا فاصله در ادب این فرصت پس از یک امکان اولیه
 ترین سوالی که در پیش روی ما قرار میگرفت تحلیل این مرحله بود
 در صفت جنبش بود، برای اینکه قانون حرکت آینده امان را
 کف کنیم می بایست گذشته را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و خط
 آینده را از درون آن بیرون کشیم. بنابراین در اولین فرصتی که دست
 داد طرح چنین سوالی منی بر بازگودن گره این مرحله از کار و حرکت
 جنبش ما در میان کارهای سازمانی مطرح گردید، هر کس
 در صفت شد که با توجه به توان شورای و دانش انقلابی این
 تاکنون کسب کرده است توانش برادران خود را راه دهد (ببینی)
 بود که چنین قطره‌های ای سلا سوزیده کردن صرفاً یک حرکت
 تاکتیکی را به تنهایی طلب نمیکرد، بلکه جنبش عدلی، ملا فاصله و
 انزافا در اولین گامهای آغازینش عبارت گسترده سیاسی-ایدئولوژیک
 بود که تسلیح و حتی تیر و استرزه یک راحل می نمود.
 و بنا بر این می بایست تظاهرات مختلف نارساها و سیاسی

پایه از صحت قبل:

مورد استفاده های مختلفی قرار می گرفت
 ج ۱ در های دیگر یک سری مدارک کامل آورده شد و تحقیق

ایرانیان و ترک و ... را در میان تحلیل ملحوظ نظر است و الا
آن تحلیل شده و سوی یکسانه نگری را خواهد نمود و اینها
تذکر این مسئله در اینجا مناسبت نیست که گفته شود در تحلیل
شرایط فعلی خیش و نیز دست یابی بیک سرعت جمیع و سالم

→
همراه دو ماین فتوکی و تقادیر قابل توجهی و سبیل و ...
بدست پلیس افتاد.

د - بیش از ده دستگاه ماین پلی کی و نیز دو دستگاه ماین
حشیم الکتریک و یک مهندم در هاسته .

ه - دستگاه های زیادی ماین مکرر در گوشه و کنارها
گت : (بیش از حقیقت مع دستگاه)

ن - تقادیر زیادی وسایل منزل همراه منازل با اقامت نازکی
فروخته و یا بجاال خدوه یا به صاحبخانه و آلودار گت .

ی - تعداد قابل توجهی فتنگ و تقادیری نه چندان اندک
براد منفرد و آب خسته شده .

ک - تعداد زیادی از استال و کتب موجود در اینها و
انبارها در گوشه و کنارها گت

از شرعاً عینی و ذهنی مبارزه با توجه به کلمات در هر دوسوی
 انقلاب و ضد انقلاب به سرعت در شرف ظهور است مبارزه
 یک صلابت نسبتاً بالایی باید اولویت بی احساس میشود در غیر اینصورت
 آغاز اغراف پوپ و راست، افکار بدامان اولویتیم و بار
 غلطییدن به گرداب تروریسم و ترور و از گون شدن در انقلاب
 ابورتوئیسم (در اشغال مختلف با سیفیم، اعدای طلایی و...))
 را در خلال حیات طلایی باید انتظار داشت.

→
 ۱. یک ماشین سواری به راه کبیری مدارک کامل آموزشی و
 تحصیلی با تمام مدارک و مدرک و... در یک روز
 که فخر گرفته شدن یک مادر پلیس و زخمی شدن یکی از رفقا
 گردید، بدست پلیس افتاد.
 ۲. در خلال این جریانات جمعی دید در مجموع بیش از نیم میلیون
 ۳. در میان زیادی وارد آمد.
 ۴. در حالی که چه افغان مارکسیستی و... و نیز یک انبارهای
 سه تنه سلاح و... و ترانچکان دیگری که منظره رتبه اسید
 پیکر یک و... رتبه شده بود به همراه خود در دستگاه یک بازی
 ←

نوشته حاضر عقلی است که توسط یکی از رفقا در پاسخ به سوال
 یعنی عقل شراط عقلی خویش و نشان دادن خط حرکت آن
 نوشته شده است و مابقی ای اینکه رفقای دیگر در جریان چنین
 قرار گیرند بدین غیر آن اقدام نمودیم، بدین است که این
 نوشته به مفهوم آئینه و یا نگار آن بنوده بلکه صرفاً آئینه
 در نظرات را در سطح وسیعتری از کارهای سازمانی دنبال
 می کند.



بدلیل عفاف از این روش و باید بهت پلیس افتاد.

x x x
 x
 a

➤ دو آلیسم سیاسی

تغییرات اقتصادی و اجتماعی ای که جامعه ما در خلال سالی
گذشته با آن روبرو گردید، بعنوان پایه مادی، و بر خود اصولی و منطقی
سازمان (که خود ناشی از صداقت و شهادت انقلابی سازمان
بود) با این تحولیات بعنوان عامل ذهنی، مجموعه شرایطی را پدید
آورد که منجر به تحول ایدئولوژی سازمان و دیدگاههای سیاسی
تسلطی آن گردید و توانست طی دو سه سال اخیر و با پیوند راه
واقعاً دشوار و پیچیده ای موفق به از میان بردن بخش عمده ای از
النقاطی گری در زمینه اندیشه و عمل سازمان گردد.

چرا میگوییم بخش عمده ای و نه همه آن؟

در اینکه ما مارکسیسم را بعنوان ایدئولوژی طبقه کارگر، تنها ایدئولوژی
شناخته و پذیرفته شده اییم حرفی نیست. همین در رابطه
با آنکه به این اندیشه ایدئولوژیک که استوار بر بسیاری از نقطه
نظرات سیاسی - تسلطی خود را بر این عرصه، آرا بر سر نهاده

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

منافع توده ها ترا خواهیم، باز فرضی نمی تواند باشد با این همه
 من فرضی کنم هنوز آثار و تقایمی این التقاطی گوی را در -
 تئوری و پهنه عملی ما وجود دارد. اگر در گذشته التقاطی گوی
 سازمان به طور عمده در شکل فاسفی آن - که بطور قطع سایر
 جنبه ها را نیز دربر می گرفت - وجود داشت، در این مرحله این
 التقاطی گوی در شکل دواییم سیاسی بجای می کند چرا؟ جواب
 این سوال سیاسی که وظیفه عمده و محوری گوی ما در شرایط فعلی
 است چیست؟

بدستی مسئله تشکیل حزب طبقه کارگر (البته همان مفهوم اشتراکاتی)
 مطرح ساخته ایم و حتی خود را نیز به این صورت مشخص کردیم:
 «میوه سیاسی - تشکلاتی با اقلیت و طبقات مختلف خلق و بطور
 عمده طبقه کارگری که در همین رابطه تشکیل حیوة واحد توده ای را
 نیز ضروری تشخیص داریم». اکنون این سوال مطرح می شود که آن
 تئوری ای که حیاتیات در میان این طبقه تبلیغ و ترویج شود و
 عبارات دیگری آن تئوری سوسیالیستی در این طریق به نحوائی
 را باید دارا باشد، تا بتوان از تفصیل آن با جنبش خودبخودی

این طبقه پیوند سیاسی - تشکیلاتی خویش انقلابی را با آن تطهیم نموده
در نتیجه حزب سیاسی این طبقه را بوجود آورد؟

خط مشی ماده تئوری و عمل گرایان این واقعیت است که ما دو
فرع درک متضاد از این محتوی داریم:

از یک سو میگوئیم کار ما در میان این طبقه محتوی غالب سیاسی را
دارد از سوی دیگر بایش کشید این سئله که هرگونه مبارزه اگر ما
باید حول مبارزه مسلحانه و کتلت اشاع آن قرار گیرد. "معتقد به

موری بودن مبارزه مسلحانه" نسبت به اشکال دیگری مبارزه و از
جمله مبارزه سیاسی هستیم. بنابراین میان "محتوی غالب سیاسی"

و "محتوی موری بودن مبارزه مسلحانه" تضادی آشکار وجود

دارد و بدین روش توأم این دو از سوی ما بعنوان روشی قابل

قبول، گرامی و آلیسیم سیاسی موجود در سازمان در این مرحله

نه خویش نیست و اکنون نیز مانند مرحله قبیل باید برخوردی

صلاحتانه و همراه با شهادت با این سئله که همین ده آلیسیم

گذشته را (البته با عباری ظریفتر و جدیدتر آن) ریشه در

گراشات خرد و درونی ما دارد، نمود و شعار مرحله ای خود را مبارزه

با دو آلیسم سیاسی موجود در سازمان قرار دهیم و شکی نماند
و شخصی را که مورد توجه قرار دهیم که نظیر من همان شکی محتوای
عالم سیاسی است چرا که در غیر این صورت جنبش دچار گرفتاری
و اغراض و غرضه کارهای فردانی خواهد گردید. (*)

مطالب فوق آنکه می‌توانستند لغو آن یک نقطه نظر که باید کار
بسیار زیادی روی آن بشود تلقی گردد. خود من روی این مسئله
فکر بیشتری خواهم کرد و قرائن را مطرح خواهم ساخت ولی برای اینکه

(*) - استنباط نمود، قبول احتمالی محتوای غالب سیاسی
و در مبارزه مسلحانه محقق این نیت که از انجام عملیات مسلحانه
تا آنجا که قادر به پیروزی کارمان و تأسیس پیوند سیاسی -
تکلیفی با طمع یک مکتب چشم پیوستیم. بعبارت دیگری عمل مسلحانه
باید در صورت تأسیس و در خدمت "محتوای غالب سیاسی"
قرار گیرد نه بصورت شخصی و نه که کار را راحت‌تر نماید قرار دهد.

× × ×

× × ×

سایر رفقاً بتوانند روی آن بیشتر مگر گفته، سؤالاتی را که در این زمینه برای خرد من مطرح است باز گوی کنم تا رفقاً ضمن پاسخ دادن سؤالات و یا سؤالات دیگری که برایشان در این مورد مطرح است ابلاغ کرده امی با من بحث و تبادل حاصله از آن بدهند.

۱- آیا واقعاً با توجه به مجموعه نیرو و امکانات سازمان، ما نیز امکانات لازم را در زمینه پیوند سیاسی - قضائاتی با طبقه کارگر قرار دادیم؟

۲- ما چه هدفی را از زیر ستادن رفقاً به کار خدایت دنبال کرده ایم، و آیا چه حد این رفقاً نسبت به این هدفها و احکام آن توجه شده و حسابرسی شده اند؟

۳- در رابطه با سوال فوق تاکنون چه رساله‌ها و مستوفی‌ها در این زمینه داشته ایم؟

۴- عملیات نظامی سازمان را در مورد آمریکاییها و عربها ... از نظر سیاسی چگونه تحلیل می‌کنید؟ چه رابطه مستوفی میان این عملیات و خط مشی سیاسی - استراتژیک فعلی سازمان وجود دارد؟

۵ - تحولات امنیتی موجود در این دوره از کار آریستو از صراحتاً
از طریق برخورد آنتی با این تحولات و بدون یک برخورد
سیاسی - استراتژیک قابل حل باشد؟

۶ - تنطرها چه رابطه ای میان این تحولات و دوا لیم سیاسی
فرق ال ذکر وجود دارد؟

۷ - چه راه حل سیاسی - استراتژیک را برای حل این مشکل ارائه
می دهید؟

« دوا لیم سیاسی »

۲

چندین سوال مطالبی تحت عنوان دوا لیم سیاسی نوشته
و در آن برخی مشکلات را جمع بهی در صومخ را مطرح کرده بودم
تا رفقا روی آن بررسی بیشتری بنمایند. خود من نیز آن هنگام
تاکنون هواره روی این مسائل فکر می کردم و اکنون می توانم
نتیجه آنرا در اینجا بطور خلاصه مطرح نمایم. (برای کامل بودن این نوشته
بهر است نوشته قبلی به این نوشته ضمیمه شود) :

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

در نظم غربتِ مَشرقی حرکت کنیم، یعنی از ضرورتِ تثبیت
 توده‌ای سازمان و کلاً جنبشِ لومَن انقلابی ایران، مجموعه
 صفاتِ ابتداییِ گروه‌های انقلابی از ابتدای شروع مبارزه مسلحانه تا گال
 جداگانه موفق به تثبیت گروهی سازمان‌های انقلابی گردیده که نمونه
 خود این تثبیت گروهی مقدمه‌ای ضروری و لازم جهت تثبیت
 توده‌ای این سازمان‌ها می‌باشد. ویژگی تثبیت گروهی را ستوان
 در سکنده بودن آن (و مقصود در برآوردی که احاطان نبود سیاسی -
 تئوریک با طبقات مختلف خلق و از آئینان پرولتاریا و رادیکالی
 نماید) دانست. به دیگر سخن سازمان‌های انقلابی که اثر تثبیت
 گروهی خود را تا حدی به انجام رسانده‌اند در یک نقطه ضعف تاریخی
 قرار دارند. باین معنی که مرگه این سازمان‌ها با آنگاه به اشتباه
 تثبیت گروهی خود را با در پیش گرفتن یک سببی توده‌ای بتوانند
 ارتباط سیاسی - تئوریک خود را با طبقه پرولتاریا و رادیکالی
 خلقی تأمین کنند. بهمان میزان زمینه و امکان حیات سیاسی
 و انقلابی برای آنها بوجود خواهد آمد و در غیر این صورت نه تنها این
 سازمان‌ها گسی در جهت تثبیت توده‌ای خود نخواهند آمد

داشت، بلکه تثبیت گردید و آنها نیز در خطر روشنی و نابودی قرار خواهد گرفت.

اگر این مقدمه موافقت داشته باشد، اکنون می‌توانیم بر عده فعالیتهای و یا درست کم بخش عده ای از این فعالیتهای سازمان را از این رده یعنی امر تثبیت توده ای مورد ارزیابی قرار دهیم. مقطع زمانی که می تواند برای این ارزیابی مورد قبول باشد دوره یکال و نیم اخیر است که طی آن سازمان ماسلح به اهداف تئوریک و دیدگاههای سیاسی و تشکیلاتی مارکسیستی بوده و مواضع سیاسی - استراتژیک شفافی را دارا بوده است. ما از میان مجموعه فعالیتهای سازمان دو بخش عده آن یعنی فعالیتهای قطعی و کارگری را مورد توجه قرار می دهیم؛ در مورد فعالیتهای قطعی برای حرکت از مارکس است که عملیات قطعی سازمان و نیز دلی که چه میقتم وجه غیر مستقیم صرف آنها گردید، بخش بسیار عده فعالیت سازمان را بخود اختصاص داده است. نگاهی به فهرست عملیات، این نکته را تأیید می کند: اعدام زندی بود، دو آملی، عملیات حسان سمیران نو، اعدام به امر لکالی و گویا چند طرح دیگری که در فوق به

بیاره کردن آهنا شده ایم.

در اینجا به سوال احساسی مطرح میشود. یکی اینکه در تقایب با سایر
کار سیاسی سازمان (و مخصوص در ارتباط با طبقه کارگر) این سطح از
عملیات آیا قابل توجیه است؟ (چرا که بهر حال سازمان از نیرو و
خاصیت سیاسی - تشکیلاتی محدودی برخوردار است). و دوم اینکه
به فرض قابل توجیه بودن این مسئله آیا این عملیات نتیجه هر
در رابط با حفظ منشی سیاسی - استراتژیک مورد نظر سازمان و تغییرات
دیگری در جهت تأمین ارتباط سیاسی - استراتژیک مورد نظر با طبقه
کارگر بوده است؟

جواب به سوال اول باید مجموعه فعالیت های سازمان را
در کار درست های شایسته کارگری مورد توجه قرار داد که نمی
تواند این کار را خواهم کرد. در مورد سوال دوم باید گفته که تیر عملیات
خود گویای این مسئله هستند که چه هستی را از نظر سیاسی دنبال می کرده -
آنکه که بطور منظم و عمدتاً جهت ضد امپریالیستی و ضد لیبرالیستی داشته اند
تا توده ای و مخصوص کارگری و باز بهین دلیل این عملیات به هیچ وجه
توافق نامه سازمان را گامی (ولو ابتدائی) در جهت توده ای آن
یاری رسانده. بدین ترتیب در شرفی که اکثریت قریب به اتفاق کارگران

می از انجام این عملیات باخبر شده اند و بقیه هم که شنیده اند نندرت
 ترجیه سیاسی برای آن یافته اند و صرفاً فشری از روشنفکران و فره
 بورژوازی سنتی نسبت به آنها سمپاتی نشان داده اند، انجام این
 گونه عملیات چه مجوری میتواند داشته باشد؟ در چنین شرایطی که مایه
 اعلامیه های نظامی خود از جمله اعلامیه نظامی اخیر (اعلامیه
 مختار آذربائی) کارگران را دعوت به پیوند با جنبش انقلابی
 می کنیم و متقابلاً کوشش در حد لازم و فراختری را در زمینه کار سیاسی
 در سوا و با این طبقه انجام داده ایم، آیا اسم این دعوت را فشری
 می توان گذارست؟ در حالیکه ادکامادهای صرف نیروی
 این عملیات میتوانستیم و سیاست نیروی خود و خود را در درجه اول
 و بیش از همه در زمینه کار سیاسی با این طبقه و پیوند سیاسی
 با آن نگار گیریم. ثانیا عملیات نظامی خود را که لازم خود خواهد
 بود) بطور عمده با توجه به ضرورت های اساسی این مرحله در سوا
 با طبقه کارگر قرار دهیم. اگر توجه یک جانبه به سائل کارگری و عدم
 توجه به افکار و طبقات خلقی دیگری گراش اگونوستی است
 عدم توجه به سائل کارگری و عمدتاً در جهت اصلاح و خواسته های
 روشنفکران و طبقات متوسط جامعه رفق، گویای چه گرایشی می

استوانه باشند؟ اگر گذشته عملیاتی نظیر آنها برای ما بعد از طرز
فکر و یادگاه خرده بورژوازی سازمان سیوانت قابل توجه باشد
اکنون چه توجیهی برای آن وجود دارد؟ گذشته از آنکه
اقتدار و تفکری و خرده بورژوازی شتی در این مرحله گذرند
سرمایه که ناگنی نیر شد جنبی ای را برای آنها در نظر گرفته حتی رز
انگیزه های طبقاتی سالمی در سطح گذشته نیز بر خور دارند.

نخستین دگرگونی که غشی از عفاست سازمان معطوف بدان
بوده است، مسأله کارگری است که وظایف آن (طوره)
بدون گروه و یا شاخه کارگری سازمان بوده است. ترکیب
شاخه کارگری سازمان که به نقد بق خود در قمار عقبه
شاخه و از جمله گروه تقاطعی از ایده لوژیک مکتبی بر خوردار
می باشد خود گویای این مسئله است که واقعاً سازمان به این
غشی از وظایف سیاسی - تشکیلاتی است چه قدر اهمیت داده
بسیاری از رفقائی که در رابطه با این شاخه به کارگزاری می روند بیشتر
مخاطب حل مسائل ایده لوژیک آنها بوده تا تأمین نیازهای اصلی
سازمان در این زمینه و همین دلیل اکثر آنها از صلاحیت سیاسی و اداری
لوژیک ای که ستوانه در این باره گاههای اساسی بر دارند بر خوردار

نیستند و نتیجه این می شود که ما با این نوعی از گزیرشات کاری که در
 بهترین شکل آن جنبه تحقیقی دارند تا سیاسی و تشکیلاتی، روبرو
 هستیم. این نحوه برخورد با کارگران و مسائل آنها نه ساخت درستی
 از آنها و مبارزاتشان به ما می دهد و نه ما را گامی در جهت ارتباط سیاسی
 تشکیلاتی با آنها نزدیکتر می سازد. واقعاً ما در طی این یک سال و نیم اخیر در
 که امیک از مبارزات کارگران که به شکل مختلف آن صورت گرفته
 شرکت داشته ایم؟ تا بتوانیم از آن طریق بدرک نسبتاً صحیح که
 مسائل ناشناخته در عین حال پیچیده جنبش کارگری و قانونمندی
 آن قابل آئیم؟ در دو جنبه می آم کارگری که میتوان آنها را از نگاه
 های اساسی و اصولی مبارزان تلقی کرد، تنها بیکی روبرو در برخورد
 تشکیلاتی با این گروه مسائل روبرو می شویم که ماده خام آنها نیز بطور
 عمده در گذشته و آئیم بطریق غیر مستقیم بدست آمده است. آیا طی
 این یک سال و نیم ما توانسته ایم ارتباط تشکیلاتی با یک کارگر قابل
 اتقاد پیدا کنیم؟ آنها چه نهای خیالپردازانه و دودار دسترس نیست
 بدون شک اگر ما برخوردی اصولی و مناسب با اخصب در حلهای نه
 این روبرو می کردیم، میتوانستیم قدمهای هر چند ابتدایی را در این زمینه
 برداشته و دست آئیم دید روشنتری نسبت به مبارزات کارگران و

حکایت می‌پوشد آن با جنبش انقلابی و روبروای خاص آن است
 باشیم. این مسئله نیز قابل توجه است که انتقاد می‌تواند کارگر را
 نارسایی‌های حقوق الذکر پیش از آنکه وسیله مؤثری (مانند نظریه که
 خود ستیام مدعی است) در پیوند سیاسی - تشکیلاتی سازمان با
 پروتکتاریا و جنبش آن باشد، عملاً معذور که دیدیم نقش یک
 نظریه داخلی را در زمینه آموزش سیاسی افراد سازمان ایفا کرد و
 نه بیشتر. کم کاری سیاسی در ارتباط با طبقه کارگر تنها به ضعف و
 نارساییهای شناخته کارگری محدود نمی‌شود، بلکه همانطور که در بالا
 اشاره کردم متهمی آنان نیز ناشی از جهت گیری غیر منطقی عملیات
 قطعی سازمان می‌باشد که بنظر من این مردود ناشی از گرایش قطعی
 گری سازمان و بی توجهی به اساسی ترین و لطیف ترین جنبش
 انقلابی در برابر جنبش خود را می‌توانیم طبقه کارگر است. که ریشه سیاسی
 این که نزدیک آنرا می‌توانیم بخوانیم "دو آلیسم سیاسی" مطرح کنیم.
 یعنی وجود شافقین بین دو مسئله اساسی مربوط قبول ما، "قبول
 غالب سیاسی" مجموعه فعالیت‌های سازمان و "مردود بودن مبارزه
 مسلحانه" و تعیین کننده بودن آن نیست به هر شکل دیگر مبارزه
 در اینجا ممکن است این مسئله مطرح شود که در شرایط کنونی مبارزه مسلحانه
 از آن جهت حیثه محدودی و اساسی دارد که هر چه تبلیغ و ترویج سیاسی
 از آن می‌تواند بدین "تبلیغ مسلحانه" صورت گیرد و از جمله

شرایطی که ما را از زیر آغوش الزام و ضرورتی ضعیف حقیقتان بر
از حد طبیعی و عدم امکان ارتباط با حقیقت مختلف خلق جامعه از
طریق تبلیغ و ترویج سیاسی است و تنها از دریچه انگیزه عملیات
است که مافوق می یابیم که سیاسی در میان توده ها بر داریم -
در اندیشه شرایط طبیعی و وجود حقیقتان دائم التزام در ایران در
اتخاذ خط مشی سیاسی - استراتژیک سازمانهای انقلابی و
تاکتیکهای مناسب با آن حتی تعیین گشته دارد و می بیند
هدف اصلی بر سر این است که این "تعیین گشته بودن" هیچگاه نمی
تواند معنی آن باشد که هر گونه ترویج و تبلیغ سیاسی را منوط بر کار
تبلیغ ملحات خود سازد، بلکه ای که هزار دریچه این عملیات
مسلح بتواند کار تبلیغ و ترویج سیاسی را دست و پاچی به شی
ملحات آلفین جینهوری و اساسی بدهد که عملاً شکل سیاسی این
سازمان را تحت اشغال خود قرار دهد

تأثیر منطقه و قابل قبول شرایط و نیرو ایران را در خط مشی
انقلابی ایران و شکل خاص مبارزه آن میتوان در کوه برداشت
ما از مفهوم حزب طبقه کارگر در پروسه ای که مغرب سدش
حزب کارگر در توجیه قرار دارد، پروسه ای که میتواند استراتژی

کار سیاسی که ترکیب جدیدی از کار سیاسی و نظامی (که در آن همراه
 جنبه غالب و اصولی آن کار سیاسی باشد) تشکیل خواهد داد.
 ترسازده مطمان بطوریکه ما تاکنون از آن برداشت کرده و عمل کردیم
 از آنجا که در تئوری و عمل بنظر میگیری می انجاست، همان اندازه غیر اصولی
 و محکوم است که ترس فقای سیاسی کار که سعی دارند و در گمراهی حقیقه
 ما را نادیده بگیرند و بنیتاً قتل غرب را به ما بگویند که در کشورهای غیر
 مستقر - نه فتوای چین و چین و ویتنام صورت گرفته است - شکی
 الگو ما این توضیح می دهند که واقعاً باید گفت در شرایط ایران زمین
 از جاحنه نه مستقر - نه فتوای گفتنی سخن نمی ترخف بخیه
 چیده است و پس.

من نوشته ای درباره کم کاری سازمان در زمینه کار سیاسی و تحت
 فنی عملیات نظامی آنهم با جهت های عام ضد امپریالیسم و اضافه
 پلیسی این نتیجه رسیدیم که سازمان در زمینه اجرای وظائف سیاسی -
 استراتژیک خود دچار انزاف شده است، در حالیکه خط مشی سیاسی
 استراتژیک سازمان شکل تئوریک آن بخوبی اصولی و منطقی است
 با شرایط جامعه ما مقابله می دیده است. با بررسی بیشتر متقاعد شدیم
 که استیصال اساسی کار نه در انزاف و خاصه گرفتن ارتش و آسایش

میان تئوری و عمل باید در تناقض محتوای تئوریک خط مشی سیاسی -
استراتژیک سازمان سیاستمدار در واقع اختلاف میان ماورقهای وطن
در زمینه خط مشی سیاسی - استراتژیک سر در قبولان نهاد، اختلاف
یکی در عین حال حاضر است و تمایز اختلاف کیفی که مثلا آنها
را محکوم به تظالمگیری کنیم و خود مدعی مبارزه مسلحانه با آنها محتوای
غالب سیاسی آن برده باشیم.

نظرم بر ارتباط سیاسی - تکنیکاتی جنبش انقلابی با اختلافات فکلی
خلق و سطوح مردم با طبقه کارگر که وظیفه اساسی و اصلی کومیتها در
این مرحله تکمیل میدهد. نهاد رسانه آن خط مشی سیاسی -
استراتژیک امکان پذیر است که بخشی بر ترکیب پیچیده ای از کار
سیاسی - نظامی (که در آن همواره سیاست و تکنیک "محتوای سیاسی"
خفیه شود) قرار گیرد. در شرائک کوفی و در این مرحله خاص قبل و
از آنکه کارهای نظامی (آنها بعد از زمینه های ضررنا ضد امپریالیستی
و ضد پلیسی) پرداخته شود. می بایست حلقه های ارتباطی سیاسی -
تکنیکاتی جنبش انقلابی را با طبقه کارگر که الزامات نیازمند تبلیغ و
نیت برقرار سازیم. اینکه میگویم الزامات به این معنی است که
بدون شک در آیین این ارتباط تا آنجا که ضرورت داشته باشد
از انجام عملیات نظامی در این خصوص دست برداریم که البته این عملیات

نظامی و اصولی شکل دهان در شرایط فعلی سیاست الزاماً در خدمت
 حفظ "مقننای غائب سیاسی" باشد. لیکن در شرایط فعلی ایران
 تبلیغ مسلمانان نیست که با سیاسی باید جنبه گام تا کتبی جنبی و تبیی
 داشته باشند نه محوری، اصولی و بنیادین و در همین صورت در عمل
 می بایست نیروی عمده سازمان در خدمت آرمان سیاسی تشبیهی (*)
 با طبقه کارگر و بخش کثرتی فعالیت های نظامی با جهت و سمت کارگری
 و بخش بسیار کثرتی فعالیتات نظامی که جنبه عام ضد امپریالیستی و ضد
 پلیسی دارند، کار گرفته شود. یعنی رعایت سلسله مراتبی که با
 برود در دست در حقیقت علمی آن قدم هوشیاریم.

(*) - در این رابطه کارهای زیادی باید صورت گیرد که طرح
 دقیق آن نیازمند بررسی های همه جانبه است. آنچه که فعلاً
 میتوان روی آن عنوان یک ضرورت شخص تکلیفی در ایران
 برخی از کارهای نسبتاً زنده و صلاحیت دار سازمان به کار
 تدریجی عمده که غایب نگه رفته و قانون مدنی عام و در حال
 خاص سرمایه و نیروی کار در ایران استانی باشد.

اکنون می بینیم در عالم انزوا و تفکیک سیاسی باضرات وارده پیش
 بطور عام و ضرات اخیر بطور خاص، متکلیف شده کردیم که از جهت
 گردشی سازمان تازه مانند لغو پانچ و اساس در حقیقت
 ندره این آن مورد استفاده قرار گیرد خود بخود یک عنصر شکسته و
 و ناپایدار خواهد بود و در یازده به تناسب دشواری شرایط و فشار
 سیاسی - نظامی دشمن در خطر نابودی قرار خواهد گرفت. اکنون
 با قوتی که از بدلان و اقلیت های اساسی سازمان در حال بحال و کم
 اخیر شده که میتوان آنرا در لی قوه و حداقل کم قوه به امر سینه
 سیاسی - اقتصادی با طبقه کارگر خلاصه نمود، به این نتیجه رسیدیم که
 ضرات وارده بر سازمان در حال اندکیت بطور عمده استراتژیک
 خبری حاصل از افک سازمان از منتهی سیاسی استراتژیک
 ندره ای نمی تواند باشد. از این که نه تنها ما را گامی در پیوند با طبقه
 کارگر و با سیاست رهایی تر دگر نگیرد، بلکه موجب جدا شدن
 وجه بیشتر با از این طبقه و با اقلیت زینتهای توده های سازمان را در آینده
 فراهم خواهد کرد. (در مورد رفقای فدائی این مسئله بهمان نسبت که
 از افک آنها شده تر و بیانی تر است بصورت شدیدی وجود خواهد
 داشته). توجه این مسئله از این جهت اهمیت دارد که در مقابل
 با شرایط و اوضاع کنونی به برخوردی نااستکی، بلکه باید برخوردی

استراتژیک نمود چنانکه این دشواری خود را شنیده یک اغراف استراتژیک
 و نه اغرافی تاکتیکی است و خود این شرطی بمنزله هتداری است
 که سیاست ما را یکبار دیگر به نقد هر چه سوء فاعانه تر و صافانه تر
 خطشی کنونی سازمان و جنبش انقلابی ایران و دارا نماید. البته جز در
 استراتژیک بعضی این نیت که در کنار آن و مجوزات آن حتی بطور
 موقت قبل از آن از بر خوردهای تاکتیکی با این دشواریها سر گذرد
 بالعکس باید بهای لازم جنبه های تاکتیکی مسئله که بر حال و نظمش
 تصور نگه داشتن بنویسی کمی و کیفی سازمان در قبال حلات و ضربات
 کوبنده دشمن است نیز داده شود، چرا که همه چیز و از جمله سیاست
 توده ای سازمان تنها در گروه مثبت گردشی آنست و پس این
 مسئله مخصوص حوضی است پیدای کند که به هدف هر حله ای
 رژیم که این از ضرب زدن به رفقای مخالفی اکنون در صد و دوازده
 ساختمان ضربات کاری بر سازمان مالت، توجه بنماییم.
 و باز است این مسئله موقتی بجز می شود که شیوه های جدید
 رژیم و قانونمندی آن در استخوان ضربات هنوز برای ما شناخته و
 روشن نیست. ضربات رژیم که تاکنون بنوی زیاد و ارزنده ای
 را از دست ما روده و مخصوص ضربه غیر قابل حیران اخیر بدین شک
 همچنان ادامه خواهد یافت مگر آنکه در این مبارزه برای بقا و ما نیز مقابل
 عجز و استیغار لازم رانده نهاد زنده نقد مسائل استراتژیک (که دیگر
 دارد آن نمی شود) بلکه در کار گرد شیوه ها و اصول تاکتیکی شتاب

بابت اخط جدید از حضرت آن دهیم . قبل از هر چیز نظر من باید این باشد که
 در جهت حفظ نیروهای اصلی سازمان و از جمله اعصاب مرکز است که در عین
 حال به دلیل شناخته شدن از ناحیه رژیم و یا تحکیم بیشتر در عین حفظ
 نسبی بیشتر هستند نگار گرفته شوند . ما در اینجا با تقاضای پیچیده ای
 روبرو هستیم . از یک سو وجود رفقای مرکز است در عین سائل و مشکلات
 سازمان بخاطر هدایت سایر رفقا و کف قانونمندی این مرحله از طریق
 خویش امری ضروری و اجتناب ناپذیر است و از سوی دیگر توجه به
 چنین مسئله ای معادل پذیرش خطرات و ضربات احتمالی در مورد
 این عده از رفقا است که بنوبه خود ضایعاتی حیران ناپذیر برای
 سازمان و خویش خواهد بود . نظر من چهار راه حل ممکن در این
 زمینه این است که برخی از رفقای مرکز به برای مدت محدودی که
 می آن بتوان به قانونمندی نسبی وضع موجود رسید به خارج از
 کشور مهاجرت کنند . این مسأله از آنجا که با کمی امکان پذیر
 در عین حال مانع از ارتباط مداوم و فعال آنها با سازمان و سائل
 آن نخواهد بود این رفقا علی رغم دوری از کشور میتوانند از طریق
 نامه و یا افراد رابط در جریان سائل اصلی خویش قرار گیرند که توجه
 به زمینه های مشترک موجود بین این رفقا و افراد داخل کشور آنها
 قادر خواهند بود بر اساس دانه ها و ناگهنا و نظرات شخصی رفقای
 داخل به مجلس و قوه مابین راهت و نظر خود را ابراز دارند .

(مراحتیان می‌دهم به نحوه برخورد متقابل مثل تبلیغ و سوزنی از طریق
 مکاتبه). در چنین شرائطی هرگونه برخورد انفعالی با جریانات موجود در
 لاک خودخوشتن و احیاناً جداساختن رفقای مرکزیت از مسائل
 عمده جنبش (با ارسال کلی آنها خارج) یک برخورد راسته روانه و
 متقابلاً هرگونه برخورد خوش بنیایه با شرائط موجود ولی توجیهی
 حقیقتی نیروهای ارزنده سازمان برخوردی است چپ روانه و
 غیرمسئولانه در برابر جنبش و مسائل آن. ماست در سبب برخورد
 فعال با مسائل موجود است که قادر خواهیم بود به کف مانوشده‌ی کمی
 این مرحله از جنبش و نارسائی‌های سیاسی و تکنیکالی خود دست یابیم
 درحالیکه برخورد انفعالی با مسائل جنبش و کشیده شدن به کنارگود
 نه تنها ما را از دست یابی به چنین هدفی باز می‌دارد، بلکه بدلیل
 عدم همدستی رفقا و گذاردن آنها فعال خود را که نتیجه احتساب
 ناپذیر برخورد انفعالی است، بیش از هر موقع دیگر سازمان را در
 معرض تلاشی و دردت کم یک جریان خود بخودی قرار خواهد داد و نتیجتاً
 ناکسلی که ظاهراً مخاطب حق سازمان در نظر گرفته شده عذاب
 تسلیع معکوس آن خواهد انجامید. ضمناً در مورد برخورد فعال با
 این مسئله نیز باید واقعاً بخیران و چگونگی این برخورد توجه شور و اراده
 زیاده روی و اتحادی عیب روانه که تسلیع آن همانند تسلیع قبلی
 زاینبار است احتساب گردد.

تأسیس دیگری که میبایست در این مرحله مورد توجه قرار گیرد، تأسیس
 عدم تمرکز در صنایع و شکل سازماندهی و مسئولتهای گرد هماء میهنهاست بخوبی
 که میهنها با ترکیب حداقل و در عین حال خودکفائی نسبی میتوانند بار خود را
 داره شده وظایف تشکیلاتی خود را بدون آنکه در ارتباط ضعیف با
 افراد مسئول باشند انجام دهند. اگر چه این شکل از سازماندهی
 خاص این مرحله بنوده و در گذشته نیز مورد توجه ما بوده و مشکلات عدیده
 عملاً مانع از استیلا و شکل سازماندهی گردیده، ولی در شرایط فعلی
 از پیش حیاتیته این مسئله مورد توجه قرار گیرد.

لازم است یکبار دیگر این مسئله را تکرار کنیم که علیرغم اهمیت
 اتخاذ شیوه های تأسیسی در شرایط کنونی جنبش، آنچه که در مجموع
 در نهایت ضامن اصلی کاربرد این تأسیسات و نتایج حاصله
 از آن است، بر خورای سیاسی - استراتژیک باطنی جنبش
 جنبش است. مائلی که ماهیتی استراتژیک دارند. الزاماً
 بر خورای استراتژیک را طلب می کنند.

صوفی بابیه